

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۳۱، ۱ پطرس

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید است، سخنرانی ۳۱ درباره اول پطرس.

آیا این یک ردیف پنتاکت در اینجا است؟ بله. آیا مسابقه داریم؟ اگر الان به شما بگویم، این یک مسابقه پاپ نخواهد بود، اینطور نیست؟ آیا تا به حال به آنها برچسب آزمون های پاپ زده اید؟ چه چیز؟ آیا تا به حال واقعا به آنها برچسب آزمون های پاپ زده اید؟ حدس می زنم این کار را نکردم، درست است؟ آیا می توانم به شما مسابقه ای بدهم که چهارشنبه بعد از تعطیلات عید پاک برگردید؟ شما نمی خواهید.

بسیار خوب، بیا با دعا شروع کنیم. بسیار خوب، پدر، از تو برای استراحت کوتاه و استراحت و وقت برای تأمل در رستخیز پسر و معنا و اهمیت آن برای زندگی ما شخصا و به عنوان مردم تو به طور شرکتي سپاسگزارم. ای پدر، اکنون که به آن اسنادی روی می آوریم که به پسر رستخیز یافته تو و خداوند و نجات دهنده ما شهادت می دهند، دعا می کنم که به ما حکمت و بصیرت بدهد، به ما صبر بدهی در حالی که به مطالبی گوش می دهیم که از برخی جهات برای ما بسیار بیگانه است و دعا می کنم که یاد بگیریم که آن را از طریق چشم بخوانیم و آن را از طریق گوش کسانی که برای اولین بار آن را شنیده اند و خوانده اند بشنویم و در عین حال برای درک اهمیت مداوم آن برای ما به عنوان مردم امروز شما مجهزتر باشید. به نام عیسی، ما دعا می کنیم، آمین.

بسیار خوب، اکنون، هیچ مسابقه ای وجود ندارد، پس فقط بنشینید، یک نفس عمیق بکشید و استراحت کنید.

بسیار خوب، فقط یک اعلامیه تا آنجا که در چند هفته آینده چه اتفاقی می افتد. قبل از امتحان نهایی یک امتحان دیگر وجود دارد. امتحان نهایی در هر چهار امتحان جامع است، اما خبر خوب این است که فقط مطالب یافت شده در چهار امتحان اول را پوشش می دهد.

هیچ ماده جدیدی وجود نخواهد داشت. بنابراین، اگر چیزهایی وجود داشته باشد که من روی انجیل ها آزمایش کردم یا چیزهایی که شما را در انجیل آزمایش نکردم، در فینال ظاهر نمی شود. فینال بیش از مطالب چهار امتحان اول جامع است.

بنابراین، ما بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اما شما یک امتحان بخش دیگر دارید، شماره چهار، که عبرانیان را از طریق مکاشفه پوشش می دهد. این اتفاق در روز دوشنبه، دوشنبه یا چهارشنبه هفته قبل از فینال رخ خواهد داد.

احتمالا دوشنبه خواهد بود، فکر می کنم. حالا، نکته دیگر نیز این است که، و این واقعا شما را ناراحت و ناامید می کند، این است که من کل هفته قبل از فینال را از دست خواهم داد، بنابراین هیچ کلاسی وجود نخواهد داشت به جز هر روزی، که احتمالا دوشنبه است، یعنی 9 مه. دوشنبه، 9 مه احتمالا امتحان بخش چهارم بر عبرانیان از طریق مکاشفه خواهد بود.

و من یک دستیار خواهم داشت که بر شما نظارت خواهد کرد، به شما می دهد و آن امتحان را نظارت می کند، زیرا من خواهم رفت. پسر از دانشگاه مسیحی کلرادو فارغ التحصیل می شود و آخر هفته بعد از آن ازدواج می کند، بنابراین ما تمام هفته را در آنجا خواهیم ماند. بنابراین، بسیار متأسفم که باید عهد جدید را برای یک هفته کامل از دست بدهید.

اما پس از آن برای هفته امتحان نهایی برمی گردم و هر جایگاهی که برای فینال برای ما در نظر گرفته شده باشد، زمانی است که خواهد بود. این بدان معناست که هفته آینده گاهی گوش کنید، هفته آینده گاهی اوقات، چهارمین و آخرین جلسه بررسی اعتبار اضافی دیگری وجود خواهد داشت که مطالب را پوشش می دهد و برای امتحان شماره چهار آماده می شود، که دوباره دوشنبه خواهد بود، به نظر می رسد دوشنبه نهم خواهد بود. بنابراین این یک نوع هشدار تا جایی است که ما به سمت آن می رویم.

بنابراین امروز و جمعه، سپس تمام هفته آینده، و سپس هفته بعد، هیچ کلاسی به جز دوشنبه امتحان شماره چهار بر عبرانیان و مکاشفه نخواهد بود. اما پس از آن هیچ کلاسی در روز چهارشنبه یا جمعه وجود ندارد، اما بدیهی است که جمعه کلاسی وجود ندارد، اما پس از آن امتحان نهایی چیز بعدی خواهد بود، رویداد مهم بعدی پس از آن. آیا یک جلسه بررسی برای فینال برگزار خواهد شد؟ آیا یک جلسه بررسی برای فینال برگزار خواهد شد؟ احتمالا وجود دارد، بله، احتمالا می توانم یک جلسه بررسی اعتبار اضافی برای امتحان نهایی نیز ارائه دهم.

من باید از نظر لجستیکی در مورد آن فکر کنم تا آنجا که چه کسی ممکن است این کار را انجام دهد. درسته، باشه. ارزش جلسات بررسی اعتبار اضافی چقدر است؟ من هنوز تصمیم نگرفته ام، اما دوباره، ارزش شرکت در آنها را دارد.

مانند نمره مسابقه برای فینال؟ یک نمره مسابقه، بله. یادم نمی آید، باید بنشینم و ببینم در گذشته چه کرده ام. من نمی توانم به یاد بیاورم که درصد چقدر است، اما بله، خوب خواهد بود.

بسیار خوب، بله. آیا به آزمایشاتی که انجام داده ایم دسترسی داریم؟ دسترسی به آزمون هایی که قبلا انجام داده اید، بله، می توانید آن ها را انتخاب کنید. و دوباره، برخی از شما کپی هایی را نگه داشته اید، اشکالی ندارد.

اگر می خواهید یک کپی از امتحان، بخش سوال با چند گزینه ای دریافت کنید، می توانید این کار را انجام دهید. باز هم، من سال آینده در اطراف نخواهم بود، بنابراین برایم مهم نیست که شما با آنها چه می کنید. من شک دارم که شخصی که جایگزین من می شود از آنها استفاده کند.

بنابراین، آنها واقعا هیچ فایده ای برای کسی نخواهند داشت. بنابراین، اگر می خواهید آنها را پس از شرکت در امتحان چهارم انتخاب کنید، اگر می خواهید آن ها را برای مطالعه یا هر زمانی قبل از آن انتخاب کنید، اشکالی ندارد. و قبل از رفتن من کمی بیشتر در مورد فینال صحبت خواهیم کرد.

و دوباره، امیدوارم یک جلسه بررسی برای فینال نیز برگزار شود. خوب، اگر بتوانم آن را در خود جای دهم، امیدوارم بتوانم. بسیار خوب، کاری که می خواهم انجام دهم این است که به بخش آخر نامه های کوتاه منتهی به آخرین کتاب عهد جدید، کتاب مکاشفه پردازم.

و من می خواهم کمی سرعت خود را کم کنم و به آنها بدهم، همانطور که با جیمز انجام دادیم، به آنها کمی بیشتر وقت بدهم، زیرا معمولا اتفاقی که می افتد، همانطور که من دو چیز را گفتم، شماره یک، معمولا تا زمانی که ترم به پایان می رسد، اکثر کلاس های عهد جدید گاهی اوقات خیلی به نامه های پولس نمی رسند. شما در کتاب هایی مانند رومیان و غلاطیان و افسسیان و غیره و اول قرنطیان گرفتار می شوید و می توانید دلیل آن را به دلایل بسیار خوبی ببینید. و دوم، دوباره، این کتاب ها، چون به پایان عهد جدید نزدیک می شوند و به نظر می رسد که تعالیم و نامه های پولس تحت الشعاع قرار گرفته اند، اغلب به آنها پرداخته بسیار کوتاه می شود.

بنابراین، من می‌خواهم آن را معکوس کنم و شاید، دوباره، ما زمان زیادی نداریم، اما شاید فقط کمی بیشتر وقت خود را با برخی از این نامه‌ها مانند یعقوب، عبرانیان، یعقوب، اول و دوم پطرس، و به ویژه اول یوحنا، دوم و سوم یوحنا بگذرانیم، ما خیلی خیلی خیلی کوتاه به آن‌ها نگاه می‌کنیم، اما کمی وقت خود را صرف آن‌ها می‌کنیم. باز هم، زیرا آنها بین مکاشفه و نامه‌های پولس قرار گرفته‌اند و اغلب توجه زیادی را به خود جلب نمی‌کنند. بنابراین، ما شاید کمی بیشتر از آنچه معمولاً ممکن است دریافت کنند، به آنها توجه خواهیم کرد.

پس با این حال، می‌خواهم به سراغ نامه بعدی عهد جدید بروم. بنابراین، ما قطعه دیگری از نامه کلیسای اولیه را باز می‌کنیم و نامه‌ای را بیرون می‌آوریم که برچسب اول پطرس را گذاشته‌ایم. حالا، چیزی که در مورد این نامه جالب است، فقط در نگاه اول، این است که نام نامه است، بسیار شبیه جیمز، نامه بر اساس نامگذاری شده است، بچه‌ها شما را ببینید، نامه بر اساس شخصی که آن را نوشته است، نامگذاری شده است، نه بر اساس گیرندگان نامه.

ما با نامه‌های پولس به آن عادت کرده‌ایم. نام تمام نامه‌ها بر اساس افرادی که خطاب به آنها است نامگذاری شده است. اما جیمز، پطرس و 1 و 2 و 3 یوحنا بر اساس شخصی که واقعا نامه را نوشته است، نامگذاری یا برچسب گذاری خواهند شد.

حال، اولین چیزی که باید در مورد کتاب اول پطرس صحبت کرد این است که چیزی از شرایطی که نامه را تولید می‌کند درک کنیم. ۱ به نظر می‌رسد که پطرس، مانند یعقوب، نوشته شده است، به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که یک الگوی مشترک وجود دارد، حداقل با برخی از نامه‌ها، و آن این است که یک رهبر برجسته مسیحی، مانند یعقوب، که رهبر کلیسای مسیحی در اورشلیم بود، مانند یعقوب یا پطرس، نامه‌ای به مسیحیانی که به طور گسترده پراکنده شده‌اند یا در یک منطقه جغرافیایی گسترده پراکنده شده‌اند، بنویسد. بنابراین، اگر پطرس شروع کند، پطرس پطرس، رسول عیسی مسیح، را به تبعیدی‌های پراکندگی در پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا و بیتینیا آغاز می‌کند.

بنابراین، شما همان الگویی را می‌بینید که در جیمز می‌بینید. ۱ پطرس و یعقوب این ویژگی مشخصه یک رهبر مشهور مسیحی در کلیسا را دارند که اکنون گروه بسیار وسیعی از خوانندگان را که در یک منطقه جغرافیایی گسترده پراکنده شده‌اند، خطاب قرار می‌دهد. دیدیم که یعقوب خطاب به یهودیانی بود که پراکنده شده بودند، و اکنون اول پطرس خطاب به مسیحیانی است که به همین ترتیب در یک منطقه جغرافیایی بزرگ پراکنده شده‌اند.

او آنها را تبعیدی می‌نامد. اما برخلاف یعقوب، اول پطرس مسیحیان یهودی را مخاطب قرار نمی‌دهد، بلکه احتمالاً مسیحیان غیریهودی را مورد خطاب قرار می‌دهد. اگرچه خواهیم دید، یکی از کارهایی که پطرس انجام می‌دهد این است که زبانی را از عهد عتیق می‌گیرد که در مورد اسرائیل عهد عتیق صدق می‌کند و اکنون آن را در مورد کلیسا به کار می‌برد.

بنابراین، او خوانندگان خود را به عنوان کسانی توصیف می‌کند که برگزیده و برگزیده می‌شوند، زبانی که اسرائیل از آن استفاده می‌کرد. او از آنها به عنوان افراد مقدس یاد می‌کند. او از آنها به عنوان یک ملت مقدس و یک کشیشی سلطنتی یاد می‌کند، تمام این زبان را از عهد عتیق خارج می‌کند و اکنون از زبانی استفاده می‌کند که از نظر قومی در مورد ملت اسرائیل صدق می‌کند، اکنون آن را در مورد این گروه فرافرهنگی به نام کلیسا که هم از یهودیان و هم از غیریهودیان تشکیل شده است، به کار می‌برد.

پس این چیزی است که باید هنگام خواندن عهد عتیق به آن عادت کنید. شما آن را اغلب پیدا خواهید کرد. زبان عهد عتیق که برای اشاره به اسرائیل استفاده می شد، اکنون در یک محیط جدید برای اشاره به کلیسایی که اکنون هم از یهودیان و هم از غیریهودیان تشکیل شده است، به کار می رود.

حال، دو چیز دیگر در مورد شرایط اول پطرس. اول از همه، در فصل 5 در آیه 9، نویسنده می گوید، مقاومت کنید، در ایمان خود ثابت قدم باشید، زیرا می دانید که برادران و خواهران شما در تمام جهان رنج های مشابهی را تحمل می کنند. این بسیار مهم است زیرا اغلب تصور می شد که اول پطرس و همچنین برخی از کتاب های دیگر عهد جدید، مسیحیانی را خطاب قرار می دادند که تحت نوعی آزار و اذیت در سراسر امپراتور یا رسماً تأیید شده بودند.

بنابراین، ما اغلب این تصور را داریم که به معنای واقعی کلمه هر شهر در امپراتوری روم لشکرهایی از سربازان داشت که در خیابان ها راهپیمایی می کردند و آنها خانه به خانه می رفتند، مسیحیان را به خیابان ها می کشیدند و آنها را کتک می زدند یا سر می بریدند یا آنها را به میدان می کشیدند تا توسط حیوانات وحشی یا چیزی شبیه به آن بلعیده شوند. این احتمالاً در قرن اول اغلب درست نبود و مطمئناً در مورد اول پطرس صادق نبود. 1 به نظر می رسد که پطرس به وضعیتی می پردازد که در آن مسیحیان عمدتاً از انواع چیزهایی رنج می برند، همانطور که آیه ای که خواندم، فصل 5 آیه 9، نشان می دهد که برای مسیحیان به طور کلی رایج بود.

بنابراین، مسیحیان انواع فشار و رنج غیررسمی و محلی بیشتری را تجربه می کردند که بیشتر رنجی که آنها تجربه می کردند از طرف دولت روم نبود یا از سربازان رومی که در خیابان ها رژه می رفتند و آنها را بیرون می کشیدند و آنها را کتک می زدند یا چیزی شبیه به آن. اما بیشتر رنج ها در سطح محلی و فشار محلی برای انطباق و نوعی طرد، نوعی تمسخر و شاید حتی درد جسمی بود که به مسیحیان تحمیل می شد که برای مسیحیانی که در بسیاری از مکان ها در سراسر امپراتوری روم زندگی می کردند صادق بود. بنابراین، وضعیت اول پطرس احتمالاً یک آزار و اذیت رسمی در سراسر امپراتور نیست که توسط امپراتور که سربازان رومی را برای ایجاد انواع مشکلات برای مسیحیان به بیرون می فرستاد، تأیید شده است، بلکه باز هم فقط نوعی آزار و اذیت و طرد و تمسخر است که در سطح محلی اتفاق می افتاد و به طور پراکنده تر در سراسر امپراتوری روم پخش می شد.

علاوه بر این، سرنخ دیگری که ما به شرایط نامه می رسیم در آیه 13 از فصل 5 است که پطرس نامه را با گفتن این جمله به پایان می رساند، کلیسای خاور در بابل که همراه با شما انتخاب شده است، به شما سلام می فرستد و پسر مرقس نیز همینطور. به نظر می رسد بابل در این زمان به یک کلمه رمز برای شهر روم تبدیل شده بود. بنابراین ظاهراً پطرس این نامه را از روم می نویسد که آن را بابل می نامد.

امیدواریم بعداً به بخشی از کتاب مکاشفه نگاه کنیم که به وضوح روم، شهر روم را به عنوان بابل با استفاده از یک اصطلاح عهد عتیق شناسایی می کند. اکنون این اصطلاح در قرن اول برای شهر رم به کار می رود و به نظر می رسد که پطرس آن را انتخاب می کند. بنابراین، اگر همه اینها را کنار هم بگذاریم، به نظر می رسد که پطرس یکی از رسولان عیسی است که اکنون در روم زندگی می کند، به نظر می رسد که نامه ای به مسیحیانی می نویسد که به سادگی همان نوع طرد و تمسخر و رنجی را تجربه می کنند که مسیحیان به طور معمول اما به صورت پراکنده در بخش های بزرگی از امپراتوری روم آن زمان تجربه می کردند.

همچنین، توجه کنید که چقدر گسترده هستند. در فصل 1 و آیه 1 ما فقط برای تبعیدی های پراکندگی در پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا و بیتینیا می خوانیم که این پنج نام همگی ایالت های روم بودند. به یاد داشته باشید که در هفته اول کلاس ها، البته شما آن را به یاد دارید، اما ما کمی در مورد امپراتوری روم و دولت روم صحبت کردیم و یکی از راه هایی که آنها امپراتوری بزرگ خود را مدیریت می کردند این بود که آن

را به استان‌ها تقسیم می‌کردند و این پنج نام که یکی از آنها را قبلاً با آن آشنا بودید، غلاطیه ما پیشنهاد کردیم که کتاب غلاطیان احتمالاً به مجموعه‌ای از کلیساها در بخش جنوبی استان غلاطیه روم نوشته شده است.

بنابراین، این مسیحیان سپس در زمان‌های مختلف در سراسر استان غلاطیه روم پراکنده شدند و به طور پراکنده در سطح محلی و غیر رسمی رنج می‌بردند و از انواع مختلف آزار و تمسخر و طرد اجتماعی و جسمی توسط همسایگان بت پرست خود رنج می‌بردند. و بنابراین اکنون برای کنار هم قرار دادن این موضوع، پطرس می‌نویسد، اساساً، نامه‌ای می‌نویسد که پطرس نامه‌ای می‌نویسد تا آنها را تشویق کند تا در زندگی بر اساس ایمان خود در یک محیط خصمانه در زمینه نوع رنجی که هر چند غیررسمی باشد، و هر چقدر هم که متنوع و گسترده باشد، ثابت قدم بمانند، اما آنها را تشویق می‌کند تا در این زمینه در میان این نوع محیط استقامت خود را در عیسی مسیح حفظ کنند. هدف نامه به یک معنا، هدف نامه را می‌توان با توجه به موضوعی که در سراسر پطرس در زمان‌های نامتناسب با فضای آن رخ می‌دهد، خلاصه کرد.

به عنوان مثال، شکل فعل رنج بردن، شکل فعلی که پطرس برای رنج استفاده می‌کند، دوازده مورد از چهل و یک اتفاق آن، شکل فعل چهل و یک بار به عنوان فعل در عهد جدید رخ می‌دهد، دوازده مورد از این موارد در اول پطرس رخ می‌دهد. و دوباره، این قابل توجه است، به همان اندازه که یک کتاب کوتاه و کوچک مانند اول پطرس با کل عهد جدید مقایسه می‌شود، این تعداد زیادی از وقایع است. علاوه بر این، شکل اسمی همان کلمه، همان کلمه ریشه‌ای برای رنجی که پطرس استفاده می‌کند، شکل اسم یک چهارم بار رخ می‌دهد، یک چهارم زمانی که در عهد جدید اتفاق می‌افتد، یک چهارم از این رویدادها، یعنی چهار مورد از شانزده واقع، در اول پطرس رخ می‌دهد.

بنابراین، این مجموعه از کاربردهای این اصطلاح مربوط به رنج چیزی را در مورد هدف پیترو آنچه که او می‌خواهد در موضوع اصلی خود انجام دهد، نشان می‌دهد. و دوباره، من فکر می‌کنم یکی از چیزهایی است که او سعی می‌کند به آن پردازد این است که مسیحیان را تشویق کند و به آنها آموزش دهد که چگونه در مواجهه با انواع مختلف رنجی که متحمل می‌شوند، به ویژه از سوی یک جامعه بت پرست، واکنش نشان دهند، حتی اگر باز هم هنوز به نقطه آزار و اذیت رسمی امپراتور نرسیده است. جایی که مسیحیان به عرصه کشیده می‌شوند و چیزهایی از این قبیل. هنوز به آن نقطه نرسیده است، اما با این حال، وقوع این موارد به اندازه کافی قابل توجه است، ظاهراً که پطرس نیاز به نوشتن به مسیحیان می‌بیند تا به آنها آموزش دهد که چگونه با این موضوع کنار بیایند.

حال، به همین دلیل، پطرس را می‌توان به راحتی به دو بخش تقسیم کرد که هر دو به این موضوع رنج مربوط می‌شوند. در فصل اول، در سه فصل اول، پطرس در واقع خواننده خود را فرا می‌خواند. جالب است.

او بلافاصله آنها را فرا نمی‌خواند که به سادگی رنج را تحمل کنند و بتوانند آن را تحمل کنند، اما در عوض، جالب است که نه تنها در سه فصل اول، بلکه در سراسر کتاب، بخشی از دستورالعمل پطرس تا آنجا که آنها برای مقابله با رنج هستند، حفظ رفتار مسیحی مناسب در میان آن رنج است. و آن عمدتاً این است که آنها زندگی مقدس خواهند داشت. اینجاست که نقل قول از عهد عتیق را می‌یابید، مقدس باشید همانطور که من مقدس هستم. اینجاست که ما در یک لحظه به این متن نگاه خواهیم کرد، اما یکی از کارهایی که پطرس انجام می‌دهد، در فصل دوم، جایی است که پطرس کلیسا را به عنوان یک معبد مقدس توصیف می‌کند.

کاری که پطرس انجام می‌دهد این است که به آنها می‌گوید راهی که باید به این خصومت پاسخ دهند از طریق پاکی است، اما آنها این کار را با ایجاد یک جامعه انجام می‌دهند. پطرس از آنها نمی‌خواهد که این کار را به تنهایی انجام دهند، بلکه در عوض، او از آنها می‌خواهد که یک جامعه، یک معبد مقدس ایجاد کنند، و ما فقط در یک لحظه به آن موضوع خواهیم پرداخت. بنابراین، راهی که آنها برای حفظ این رفتار مناسب دارند، و تنها راهی که در نهایت می‌توانند در برابر تلاش برای تسلیم شدن در برابر این فشار و رنج مقاومت کنند، تشکیل و ایجاد یک جامعه مقدس، معبدی است که پطرس آن را کلیسا می‌نامد.

اما دوم، در فصل‌های چهارم و پنجم، اینجاست که پطرس با فراخواندن خوانندگانش به استقامت به جزئیات بیشتری می‌پردازد و یکی از کارهای اصلی که انجام می‌دهد این است که از مسیح به عنوان نمونه‌ای از کسی استفاده

می کند که انتقام نگرفته است. بنابراین، او آنها را فرا می خواند تا با حفظ شهادت مسیحی خود با تلافی نکردن، استقامت کنند، و اینجاست که پطرس بارها و بارها از مثال عیسی به عنوان کسی استفاده می کند که تلافی نکرده است. او از مثال اشعیا فصل 53 استفاده می کند، خدمتگزار رنج کشیده ای که ما اغلب در عید پاک از او نقل می کنیم.

پطرس به این موضوع اشاره می کند، همه اینها برای نشان دادن اینکه خوانندگانش، مانند مسیح، باید از انتقام جویی و انتقام جویی خودداری کنند، حتی اگر ممکن است به ناحق از دست این آزار و اذیت و فشار و طرد پراکنده محلی که با آن روبرو هستند و مورد تمسخر قرار می گیرند، رنج ببرند. بنابراین، به نوعی پیتر اینگونه تنظیم شده است. از برخی جهات می توان آن را بین این دو بخش تقسیم کرد.

اما مانند کتاب عبرانیان، پطرس به طور متناوب بین شرح خود، آنچه در مورد مسیح می گوید و آنچه در مورد کلیسا می گوید، و نصیحت تا آنجا که چگونه باید پاسخ دهند، جابجا می شود. دیدیم که عبرانیان این کار را کردند. بین نمایش، بخش های نشانگر، و سپس هشدار دهنده یا امر یا دستورات به جلو و عقب می چرخید.

پیتر کاری مشابه انجام می دهد. او بین شرح خود و سپس نصیحتش به جلو و عقب می چرخد، اما تا حد زیادی می توان آن را به این دو بخش تقسیم کرد. اما دوباره، جالب است که ببینیم قلب آموزش پطرس وقتی مسیحیان را برای مقاومت در برابر رنج خطاب می کند، فقط نوعی عمل بازتابی یا یک عمل منفعل یا نوعی کندوکاو و آماده شدن برای دراز مدت نیست.

دستورالعمل های پطرس همه چیز در مورد حفظ یک شهادت و زمینه مناسب مسیحی، رفتار مناسب مسیحی، حفظ قدوسیت، ایجاد یک جامعه و امتناع از انتقام است. بنابراین، به نظر من دستورالعمل های پیتر در مورد رنج نسبتاً جذاب است، او نه تنها به آنها می گوید که استقامت کنند و تحمل کنند، بلکه فعال تر است. آنها باید شهادت خود را حفظ کنند و رفتار مناسب مسیحی را حفظ کنند و حتی در میان آنچه با آن روبرو هستند تلافی نکنند و به دنبال پآکی نباشند.

حال، یک بخش مهم از تعالیم اول پطرس چیزی است که او در مورد کلیسا می گوید. ما طولانی ترین توصیف آن را در اول پطرس فصل 2 می یابیم، جایی که او می گوید، تو نزد او می آیی، سنگی زنده، اگرچه توسط انسانها رد شده است، اما در نظر خدا برگزیده و ارزشمند است. و مانند سنگ های زنده، بگذارید در یک خانه روحانی ساخته شوید، تا یک کشیش مقدس شوید، قربانی های روحانی را ارائه دهید، که از طریق عیسی مسیح مورد قبول خدا باشد.

زیرا در کتاب مقدس نوشته شده است، ببینید، من در صهیون سنگی می گذارم، یک چهارم سنگ، برگزیده و گرانها، و هر که به او ایمان بیاورد، شرمند نخواهد شد. برای کسی که ایمان می آورد، برای کسانی که شما که ایمان دارند او ارزشمند است، یا بهتر است ترجمه شود، افتخار وجود دارد. برای کسانی که شما که ایمان دارند، عزت است.

اما برای کسانی که ایمان ندارند، سنگی که سازندگان آن را رد کردند، به سر سنگ بنای تبدیل شده است. پس آیه 9، اما در عوض، شما یک نژاد برگزیده هستید، یک کهنات سلطنتی، یک ملت مقدس، قوم خود خدا، تا بتوانید اعمال عظیم او را که شما را از تاریکی بیرون آورد و به نور او فرا خواند، اعلام کنید. حال، چیزی که می خواهم توجه را به آن جلب کنم، توجه به استفاده پطرس از زبان عهد عتیق با مقایسه کلیسا نه تنها با یک ساختمان بلکه با یک معبد است.

این امر در مسیحیت اولیه بسیار رایج بود. در واقع، جالب اینجاست که این امر در یک جنبش یهودی دیگر، یعنی جامعه قمران بسیار رایج بود. به یاد داشته باشید که ما در مورد اسنی های صحبت کردیم که می توانستند شعار خود را داشته باشند، بیایید عقب نشینی کنیم.

اسنی ها به بیابان رفتند و جامعه خود را تشکیل دادند، جامعه قمران جامعه خود را تشکیل داد. و بخشی از آن بود که آنها خود را درک می کردند زیرا آنها با آن ناراحت بودند، و آنها معبد فیزیکی در اورشلیم را رد کرده بود. آنها جامعه خود را به یک معنا درک کردند که در دوره موقت یک معبد روحانی باشد تا زمانی که خدا بیاید و معبد فیزیکی را بازسازی و بازسازی کند.

بنابراین، جالب است. در ادبیات قمران، شما این زبان را در مورد آنها می خوانید که به طور استعاری اعضای جامعه را با سنگ مقایسه می کنند و جامعه را با یک معبد و با یک خانواده، به یک ساختمان مقایسه می کنند. پطرس و مسیحیان اولیه همین کار را می کنند.

ما در نامه های پولس دیدیم که او اغلب کلیسا را با معبد و اعضا را با سنگ هایی که معبد را تشکیل می دادند مقایسه می کرد. و اکنون پطرس همین کار را می کند. و آنچه در این اتفاق می افتد این است که در معبد عهد عتیق می گذرد، معبد عهد عتیق نمادی از حضور خدا در میان قومش بود.

معبد عهد عتیق نماد سکونت خدا و حضور او با قوم پیمان او، اسرائیل بود. هنگامی که معبد به دلیل گناه اسرائیل ویران شد و خدا آشور و بابل را آورد تا آنها را با گاری به تبعید ببرد، معبد ویران شد و پیامبران، مانند اشعیا، حزقیال و غیره، روزی را پیش بینی می کردند که خدا روزی معبد را بازسازی و بازسازی کند تا جایی که در میان قومش ساکن خواهد شد. جالب اینجاست که عهد جدید سپس معبد را می بیند و وعده ها و پیشگویی های معبد بازسازی شده، در نهایت در عیسی و کلیسای او، پیروانش محقق می شود.

پس به همین دلیل است که شما پطرس و پولس و دیگران را دارید که تصاویر فیزیکی معبد را از عهد عتیق می گیرند و اکنون آن را در مورد خود مردم، کلیسا به کار می برند. اکنون کلیسا معبد واقعی خدا است. اکنون کلیسا جایی است که خدا اکنون با قوم خود در آن زندگی می کند، نه از طریق یک ساختار فیزیکی، نه دیگر از طریق یک ساختمان فیزیکی.

به همین دلیل است که به عنوان یک یادداشت جانبی، به همین دلیل است که من شخصا فکر نمی کنم معبد فیزیکی هرگز در اورشلیم بازسازی شود، یا اگر چنین باشد، هیچ ربطی به نبوت ندارد، زیرا عهد جدید روشن است که معبد بازسازی شده اکنون است، معبدی که پیامبران پیشگویی کرده بودند، اکنون در عیسی و کلیسا محقق می شود. نه معبد دیگری که از نظر فیزیکی بازسازی شده است. بنابراین، معبد قبلاً بازسازی شده است، قبلاً تأسیس شده است، یا بهتر از آن، از طریق مسیح و کلیسای که او اکنون در حال ساخت آن است، بازسازی و تأسیس می شود. بنابراین پطرس در مورد مسیحیان به عنوان سنگ های زنده ای صحبت می کند که برای تشکیل این خانه روحانی ساخته می شوند، جایی که خدا در آن زندگی می کند.

بنابراین، مکان واقعی حضور خدا دیگر در معبد فیزیکی عهد عتیق یا هیچ ساختمان فیزیکی دیگری نیست، بلکه اکنون خود قوم خدا هستند. از این رو، پطرس می تواند کلیسا را این ساختمان را که از سنگ های زنده تشکیل شده است، بنامد، همان معبد خدا. هدف از این یا عملکرد این دو چیز است.

شماره یک این است که با یادآوری به خوانندگان که آنها یک معبد مقدس هستند، این به آنها انگیزه می دهد تا نوع زندگی را که پطرس می خواهد دنبال کنند. به یاد داشته باشید، بخشی از استراتژی پطرس فقط این نیست که آنها را وادار به مقاومت در برابر رنج کند، بلکه این کار را با حفظ پاکی و حفظ شهادت خود در رفتار مناسب مسیحی انجام می دهد. بخشی از آن یادآوری این است که آنها در واقع این معبد را در تحقق عهد عتیق تشکیل می دهند.

اگر آنها این معبد پاک هستند که خدا در آن ساکن است، پس باید این را با نحوه زندگی خود نشان دهند، به ویژه در میان خصومت و محیط خصمانه ای که در آن قرار دارند. اما دوم، من فکر می کنم ممکن است مسئله دیگری نیز وجود داشته باشد، و آن این است که برای کسانی که از آوارگی رنج می برند، برای کسانی که در تبعید هستند، آنها به عنوان تبعیدی توصیف می شوند، و از آوارگی و آزار و تمسخر رنج می برند، این است که با نامیدن آنها به این معبد این خانه که از همه این اعضا ساخته شده است، راهی برای تثبیت هویت اجتماعی آنها خواهد بود. بنابراین، به عبارت دیگر، اگر آنها به جایی برای رفتن نیاز دارند، اگر جایی برای تعلق ندارند، اگر دنیا مکانی خصمانه است، باید احساس تعلق داشته باشند.

آنها باید چیزی داشته باشند که به آن تعلق داشته باشند. و بنابراین، پطرس می گوید، شما این کار را می کنید. شما بخشی از این معبد مقدس هستید که به طور مداوم در حال ساخت است و هر عضو یک سنگ ساختمان است.

بنابراین هم انگیزه ای برای پاکی و قدوسیت در میان رنج، و هم احساس تعلق و هویت برای کسانی که خود را پراکنده می بینند و خود را در دنیایی خصمانه و محیطی خصمانه می یابند. اکنون احتمالاً یکی از دردسرسازترین متون در کل عهد جدید در اول پطرس یافت می شود. و در فصل 3 یافت می شود و از آیه 18 شروع می شود.

و بگذارید آن را برای شما بخوانم. زیرا مسیح نیز برای گناه رنج کشید، بنابراین این غیرعادی نیست، این موضوع اصلی پطرس است، این است که او نشان می دهد که همانطور که مسیح رنج کشید، اما بدون تلافی، پیروانش نیز باید رنج بکشند. بنابراین، او می گوید، زیرا مسیح نیز یک بار برای همیشه برای گناهان رنج کشید، عادل برای ناعادلان، تا شما را نزد خدا بیاورد.

او در جسم کشته شد، اما در روح زنده شد، که در آن نیز رفت و به ارواح زندانی که در زندان بودند موعظه کرد. و این جالب است. که در زمان های گذشته اطاعت نکردند، هنگامی که خدا در روزهای نوح در هنگام ساخت کشتی که در آن چند نفر یعنی هشت نفر از طریق آب نجات یافتند، صبر و شکیبایی منتظر ماند.

حالا این داستان در مورد عیسی که نزد ارواح زندان می رود و به آنها موعظه می کند چیست؟ و سپس می گوید، این ارواح کسانی بودند که در روزی که نوح کشتی را ساخت، حضور داشتند؟ پطرس این داستان رفتن مسیح به نزد این ارواح در زندان را از کجا می آورد؟ این ارواح در زندان که عیسی به آنها موعظه می کند چه کسانی هستند؟ او به آنها چه موعظه می کند؟ آنها کجا در زندان هستند؟ عیسی چه زمانی به آنجا رفت و این کار را کرد؟ و این چه ربطی به نوح و پیدایش 6، نوح و داستان کشتی دارد؟ پطرس در دنیا چه می کند؟ به نظر من، این احتمالا یکی از ددرسازترین قسمت ها در کل عهد جدید است، تا آنجا که سعی می کنیم درک کنیم که در مورد چه چیزی است و چگونه آن را درک می کنیم. حال، بخشی از این به بخشی از اعتقادنامه رسولان برمی گردد یا شاید ممکن است بر آن تأثیر بگذارد که ما به طور مکرر به آن استناد می کنیم. بنابراین، بیایید این را با هم ذکر کنیم.

این فقط بخشی از آن است. من به عیسی مسیح ایمان دارم که مصلوب شد، مرده و دفن شد. او در روز سوم که از مردگان برخاست به جهنم فرود آمد.

و بدیهی است که این فقط بخشی از عقیده است. اما عبارتی که می خواهم روی آن تمرکز کنم این است که او به جهنم فرو رفت. حال، این سه توصیف دیگر از مسیح به وضوح در عهد جدید تأیید شده است، که مسیح مرد و دفن شد، و بدیهی است که او در روز سوم از مردگان برخاست.

شما همه اینها را با هم در یک بخش در اول قرننیا 15 می یابید. اما این اشاره به فرود مسیح به جهنم، یکی از مکان هایی که ظاهرا دریافت می کنیم از اول پطرس 3، 20-18 است. به نظر می رسد این اشاره به رفتن مسیح به ارواح در زندان و موعظه به آنها یکی از توجیهات گنجاندن این بیانیه در اعتقادنامه رسولان باشد.

و به همین ترتیب، با دانستن اعتقادنامه رسولان، ما اغلب به اول پطرس 3 برمی گردیم و آن را به عنوان توصیفی از مسیح می خوانیم که به ارواح در زندان می رود و به جهنم می رود. یعنی، زمانی بین زمانی که عیسی بر روی صلیب مرد و گفت، تمام شد، بین آن زمان و زمانی که دوباره برخاست، عیسی باید به جهنم رفته باشد و چیزی را موعظه کرده باشد، شاید یک فرصت دوم برای نجات، چیزی. آیا عیسی به ارواح در زندان فرصت دیگری می دهد؟ حالا که او بالاخره برای گناهان بشریت مرد، آیا اکنون می گوید، من این کار را انجام داده ام، و این یک فرصت دیگر است؟ یا باید این را به روش دیگری درک کنیم؟ بخشی از مشکل این است که این فقط در طول دو یا سه آیه است.

زبان به یک معنا بسیار مبهم است. اما معمولا ما این آیات را اینگونه درک کرده ایم. و دوباره، اول پطرس 3 احتمالا در پشت این بخش مورب اعتقادنامه رسولان قرار دارد که عیسی به جهنم فرود آمد.

حال، چند مکان دیگر در عهد جدید وجود دارد که برای حمایت از آن نیز استفاده شده است، اما این یکی از احتمالات است. آیا دستتان را بالا برده اید؟ آیا این ایده وجود ندارد که او بین داوری جهنم و بهشت قرار داده است؟ مطمئنا بله. و شما این مکان انتظار هادس را دارید که در آن مردم، تا لحظه ای که عیسی برای گناه همه بر روی صلیب مرد، هیچ نجاتی وجود نداشت.

فقط تا آن روز منتظر بودیم. اشاراتی به هادس وجود دارد. فکر می کنم ممکن است در عهد عتیق باشد.

این چیز جدیدی است که در آن اشاره می کند که چگونه ابراهیم و اسحاق همه آنها زنده هستند، اما به نظر می رسد که روشی که آنها به آن اشاره می کنند به زبان این است که آنها در این برهه از زمان در بهشت هستند، و اینکه عیسی

مسیح در واقع باید آنها را از این مکان انتظار به بهشت ببرد. و بنابراین به نظر می رسد که این همان چیزی است که با موعظه انجیل نجات او و کسانی که به او ایمان دارند اشاره شده است، باید بگوییم. مطمئن.

بله، دقیقا حق با شماست. کسی پیشنهاد می کند که جهنم، آخرین مکان داوری، قبل از آن است که مردم به نوعی در این مخزن در این بین باشند و منتظر مرگ و رستخیز مسیح باشند. و اکنون این اتفاق افتاده است.

حالا مسیح می تواند برود و به آن افراد موعظه کند و آنها یا می توانند او را رد کنند یا بپذیرند. این روش دیگری است که درک شده است، درست است؟ راه دیگری که اغلب درک می شود این است که کسی پیشنهاد می کند که عیسی، که مسیح در واقع از طریق نوح موعظه می کرد، که وقتی نوح به اطرافیانش موعظه کرد که اکنون آنها روح هستند، آنها مرده اند و آنها روح هستند، اما زمانی که آنها زنده بودند، کسی پیشنهاد کرد که آنچه پطرس می گوید این است که مسیح در واقع از طریق نوح به این افرادی که اکنون روح هستند موعظه می کرد.

و بنابراین، این فرصت دومی برای نجات ارائه نمی دهد، بلکه به سادگی ثبت می کند که از نظر تاریخی زمانی که نوح در حال ساخت کشتی بود و همانطور که در واقع مورد تمسخر قرار می گرفت، مسیح در واقع موعظه می کرد یا از طریق او به این افراد که اکنون مرده اند و در واقع ارواح هستند، صحبت می کرد، احتمال دیگری است. من می خواهم با پرسیدن یک سری سؤالاتی که در برنامه درسی خود در مورد این متن مشخص شده است، چیزی بسیار متفاوت را پیشنهاد کنم. اول از همه، چه زمانی این اتفاق افتاد؟ مسیح چه زمانی این کار را کرد؟ توجه کنید آیه 18 می گوید، زیرا مسیح نیز یک بار برای همیشه برای گناهان رنج کشید، عادل برای ناعادلان، تا ما را به سوی خدا بیاورد.

او در جسم کشته شد، اما در روح زنده شد، که اشاره ای به رستخیز عیسی است. سپس آیه 19 می گوید، در کدام؟ که فکر می کنم به رستخیز او اشاره دارد. بنابراین، می توانید بگویید، عیسی در جسم کشته شد، اما در روح زنده شد.

آنجا جایی بود که او بزرگ شد. در آن زمان، یا در کدام حالت، یعنی زمانی که او بزرگ شد، در آن زمان، او به ارواح زندان رفت. بنابراین، من فکر می کنم که هر آنچه در این متن می گذرد این است که در زمان رستخیز عیسی اتفاق افتاده است.

هنگامی که عیسی در نتیجه رستخیزش برمی خیزد، در زمانی که از مردگان برمی خیزد، آن زمان است که او این را اعلام می کند. بنابراین، به نظر من، این به عیسی اشاره ای بین مرگش در جمعه خوب و رستخیزش در روز یکشنبه نمی کند. مدتی در این بین، عیسی نزد این ارواح رفت.

من متقاعد نشده ام که این چیزی است که در مورد آن صحبت می کند. من فکر می کنم این چیزی است که در رستخیز او اتفاق می افتد. و دوباره، من فکر می کنم که اگر ترجمه های انگلیسی را بخوانید، آنها کارهای متفاوتی را با آیه های 18 و 19 انجام می دهند.

اما یکی که من به تازگی خواندم من دوست دارم. در آن نوشته شده بود، او توسط جسم کشته شد، اما در روح زنده شد، یعنی رستخیز اوست، که در آن، یعنی به زنده شدن در روح اشاره دارد، که در آن است، یعنی در کدام حالت، در چه زمانی، هنگامی که او رستخیز می کند، آن زمان است که او رفت و این اعلان را به ارواح زندان داد. بنابراین، من فکر می کنم که این حداقل بخشی از مشکل ما را حل می کند.

این هر چه باشد، هر کجا که مسیح می رود، هر چه موعظه می کند، این ارواح هر کسی که باشند، مسیح این کار را می کند، نه زمانی که موسی، البته نه موسی، نوح. نه زمانی که نوح زنده بود. او از طریق نوح موعظه نمی کند.

او بین مرگ و رستخیزش موعظه نمی کند. هر کاری که انجام می دهد، این کار را پس از زنده شدن از مردگان انجام می دهد. خوب، این مثبت نیست.

بله، این سوال خوبی است. فکر می کنم او احتمالا در کردادو بود و از کوه ها لذت می برد. نه، او بود، بله، منظورم این است که نمی دانم آیا می خواهم وارد آن شوم یا خیر.

هر یک از شما باید با آنچه بین مرگ مسیح و رستخیز مسیح اتفاق افتاده است کنار بیایید. من فرض می کنم که او در حضور پدر بود و به آسمان صعود کرد، اما دوباره، بدن رستخیز فیزیکی او هنوز اتفاق نیفتاده بود، رستخیز فیزیکی او به

عنوان نشانه ای از افتتاح خلقت جدید هنوز اتفاق نیفتاده بود. بنابراین، من فکر می‌کنم که او در حضور پدر آسمانی بود.

و من فکر می‌کنم شواهد خوبی در سراسر عهد جدید برای آن وجود دارد. بله. اما بله، من فکر می‌کنم، دوباره، من فکر می‌کنم برخی از این زبان زبانی از نوع عهد عتیق است و به وضوح به رستاخیز اشاره دارد.

اما این سوال بسیار خوبی است. پس مسیح کجا رفت؟ بنابراین، اگر او این کار را هنگام برخاستن انجام داد، مسیح کجا می‌رود؟ باز هم، متن واقعا به ما نمی‌گوید. این به ما نمی‌گوید که مسیح به جایی نازل شده است، اگرچه ممکن است باشد.

به ما نمی‌گوید که او بالا رفت. به ما نمی‌گوید که این ارواح کجا در زندان بودند. متن به سادگی نمی‌گوید.

اما شاید باید این سوال را بپرسیم که آیا این لزوماً مکان خاصی است؟ آیا پیترو به موقعیت جغرافیایی خاصی در پایین یا بالا فکر می‌کند؟ یک چیز جالب، اگر به افسسیان برگردید، اگر به کتاب افسسیان برگردید، به احتمال زیاد چه گفتیم؟ من به نوعی کمی جلوتر می‌پریم. اما در افسسیان، ارواح و حاکمان و مقامات کجا یافتند؟ کسانی که گفتیم قدرت‌های شیطانی و ارواح شیطانی هستند. آنها در افسسیان کجا یافت شدند؟ در پشت پادشاهی‌های زمین، پولس آنها را نیز در آسمانها قرار می‌دهد.

بنابراین، چه چیزی مانع از آن می‌شود که ما ببینیم عیسی مسیح را اعلام می‌کند یا با این ارواح مقابله می‌کند، هر کسی که باشند، و هر کاری را که در آسمانها انجام می‌دهد، موعظه می‌کند، نه لزوماً در جهنم یا در جایی دیگر، اگرچه این یک احتمال است، اما شاید این شبیه به چیزی باشد که پولس در افسسیان می‌گوید. این ارواح در قلمروهای آسمانی هستند که قلمروهای آسمانی را کنترل می‌کنند. و حتی در آنجا دیدیم که عیسی بسیار بالاتر از هر حاکم و حاکم در آسمانها نشسته بود.

اما به غیر از آن، دوباره، متن به ما نمی‌گوید. به طور خاص نمی‌گوید که عیسی در جایی یا در راه بالا پایین رفت، یا نمی‌گوید که کجا رفت. دوم، آنها چه کسانی بودند؟ این ارواح چه کسانی بودند؟ به نظر من، من فکر می‌کنم پطرس به سنتی تکیه می‌کند که به تفسیر آن رسیده است.

حالا باید دوباره به عهد عتیق خود برگردید. اگر در پیدایش فصل 6 به یاد داشته باشید، بخشی از آنچه طوفان را تسریع کرد، داستان پایین آمدن پسران خدا و داشتن روابط با دختران انسان بود. جالب اینجاست که در ادبیات یهودی، آن پسران خدا تقریباً به اتفاق آرا به عنوان موجوداتی معنوی یا فرشته‌ای به تصویر کشیده می‌شوند که متعاقباً به زندان انداخته می‌شوند و در انتظار داوری هستند.

من یک لحظه دیگر به آن یکی برمی‌گردم، اما به آن صبر کنید. ارواحی که در زندان بودند و منتظر داوری پیدایش فصل 6 بودند. من می‌خواهم فقط در یک لحظه به آن برمی‌گردم. در نهایت، عیسی چه موعظه‌ای کرد؟ به احتمال زیاد، عیسی... باز هم، کلمه‌ای که بیشتر ترجمه‌های انگلیسی شما ترجمه می‌کنند لزوماً به این معنی نیست که او انجیل را موعظه کرده است، اگرچه می‌تواند مستلزم آن باشد.

اما این یک کلمه بسیار کلی برای اعلام پیام است. بنابراین، این می‌تواند یک پیام نجات باشد، یا می‌تواند پیام داوری نیز باشد. که عیسی فقیر است... یا می‌تواند به سادگی پیامی از پیروزی عیسی باشد.

عیسی، از طریق مرگ و رستاخیز خود، اکنون بر گناه و مرگ و تمام قدرت‌های شیطانی پیروز شده است. حالا بگذارید به عقب برگردم و بگذارید یک متن دیگر به شما نشان دهم. گفتم پیدایش فصل 6، 1 تا 6، داستان... دوباره، درست قبل از داستان نوح و طوفان، شما این داستان جالب از این پسران خدا را دارید که پایین می‌آیند و با دختران انسان در هم آمیخته می‌شوند و با آنها رابطه دارند.

باز هم، ادبیات یهودی خارج از عهد عتیق و حتی برخی از ادبیات مسیحی اغلب پسران خدا را به عنوان موجودات فرشته معنوی یا موجودات اهریمنی ترجمه می‌کردند. این از کتابی به نام اول خنوخ است که مطمئناً اکثر شما اخیراً آن را خوانده‌اید. اما حتی می‌توانید Enoch 1 را در گوگل جستجو کنید و ترجمه انگلیسی آن را پیدا کنید.

اما در فصل 6 از اول خنوخ، اول خنوخ به وضوح پیدایش 6، طوفان را توصیف می کند. و این چیزی است که او می گوید. در آن روزها، هنگامی که فرزندان انسان ها تکثیر شده بودند، اتفاق افتاد که دختران زیبایی به دنیا آمدند و فرشتگان، فرزندان از آسمان، آنها را دیدند و آرزوی آنها را داشتند.

بنابراین، اول خنوخ 6، و متون دیگری در اول خنوخ وجود دارد که این پسران خدا را از پیدایش 6 به عنوان موجوداتی فرشته درک می کند. یکی دیگر، فصل 21، در همان کتاب، اول خنوخ. باز هم، این در عهد عتیق یا جدید شما نیست.

این کتابی بود که وارد قانون عهد عتیق یا عهد جدید نشد. دوباره، خنوخ هنوز در حال توصیف است، او طوفان را توصیف می کند، رویداد پیدایش 6. اینها از جمله ستارگان آسمان هستند که از احکام خداوند تجاوز می کنند و با توجه به تعداد گناهانشان تا اتمام 10 میلیون سال در این مکان بسته می شوند. این مکان زندان فرشتگان است.

بنابراین، شما این تصور را دارید که این فرشتگان از خدا نافرمانی می کنند و اکنون در زندان محبوس هستند و منتظر داوری نهایی بر اساس پیدایش فصل 6 هستند. بنابراین، این فرشتگانی که خطا کرده اند، پسران خدا از پیدایش فصل 6 هستند. دوم پطرس 2، کتابی که در ادامه در مورد آن صحبت خواهیم کرد. زیرا اگر خدا فرشتگان را در هنگام گناه رحم نکرد، بلکه آنها را به جهنم فرستاد و آنها را در زنجیرهای تاریکی قرار داد تا برای روز داوری نگه داشته شوند. دوباره، وقتی به تمام فصل 2 از اول پطرس نگاه می کنید، این به خوبی با توصیف پیدایش فصل 6 مطابقت دارد. بنابراین دوباره، تصور فرشتگانی که گناه می کنند، از دستورات خدا تخطی می کنند، و اکنون آنها را در زنجیر می کشند و منتظر زمان داوری هستند.

یک متن دیگر در عهد جدید و متن های دیگری نیز وجود دارد که می توانیم به آنها اشاره کنیم، اما من فقط به مواردی نگاه می کنم که واضح تر هستند. یهودا فصل 6، یک کتاب کوچک قبل از مکاشفه. و فرشتگانی که موقعیت های اقتدار خود را حفظ نکردند، اما خانه های مناسب خود را رها کردند، این فرشتگان را خدا در تاریکی نگه داشته است، در زنجیرهای ابدی برای داوری بسته شده اند.

بنابراین، منظور من این است که به نظر می رسد شما این سنت یا داستان را بر اساس پیدایش 6 دارید، که پسران خدا از پیدایش 6 موجودات فرشتگانی بودند که از مرزها و دستورات آنها تجاوز کردند، و بنابراین گناه کردند، و بنابراین به طور استعاری یا غیر آن، در زندان بسته شدند و در انتظار روز داوری بودند. حالا، من فکر می کنم پطرس از این داستان استفاده می کند و می گوید که این داوری بالاخره در شخص عیسی مسیح آمده است. این فرشتگان یا این ارواح از پیدایش فصل 6 تجاوز کردند و برای داوری در زنجیر بسته شدند، اکنون که داوری صورت گرفته است.

اکنون عیسی به سراغ آن موجودات فرشتگان، آن موجودات اهریمنی رفته است و پیام داوری و پیروزی بر آنها را اعلام کرده است. حالا، چه پطرس فکر می کند که همه اینها تحت اللفظی است، یا شاید در ذهن من، فکر می کنم پیتیر ممکن است فقط یک داستان مشترک را قرض بگیرد، زیرا این محبوب بود و خوانندگانش آن را درک می کردند زیرا این ایده در مکان های مختلف و انواع مختلف ادبیات یافت می شود. من تعجب می کنم که آیا این فقط یک داستان محبوب نبود، و اکنون پطرس از آن استفاده می کند، اما اساساً، من فکر می کنم این روش پطرس برای گفتن همان چیزی است که پولس در افسسیان 1 انجام داد، که عیسی، با رستاخیزش، اکنون بسیار بالاتر از حاکمان و مقامات آسمانی قرار گرفته است، و اکنون آنها چهارپایه او هستند. این نشانه ای است که او پیروز شده و آنها را فتح کرده است.

من فکر می کنم این فقط روش پیتیر برای گفتن همان چیز است. بنابراین، فکر نمی کنم لازم باشد پرسیم که پطرس کجا رفت، یا عیسی کجا رفت، این ارواح کجا در زندان بودند، آیا اینها تنها ارواح هستند، در مورد ارواح دیگر چطور؟ پطرس به این موضوع علاقه ای ندارد، او فقط از یک داستان رایج استفاده می کند که خوانندگانش با آن آشنا بودند تا تکرار کند که عیسی از طریق مرگ و رستاخیز خود، بر نیروهای شیطانی پیروز شده است، و اکنون، از طریق مرگ و رستاخیز خود، پیام داوری و پیروزی را اعلام می کند. بسیار خوب، سوالی در این مورد دارید؟

این نوعی است که من متن را می خوانم، و فکر می کنم، چگونه درک برخی از پس زمینه می تواند به روشن کردن نوعی متن نسبتاً چسبنده کمک کند.

دوباره، وقتی بفهمیم که پطرس در این داستان چه می کند، این پس زمینه، داستانی که او به آن اشاره می کند، پس لازم نیست نگران باشیم، خوب، عیسی کجا رفت، و آیا او شانس دوم نجات را اعلام کرد، این ارواح چه کسانی بودند، کجا بودند؟ دوباره، من فکر می کنم این داستان به نوعی نمونه ای برای موجودات فرشته شیطانی است که اکنون زندانی هستند و منتظر روز داوری خود هستند، و اکنون پطرس متقاعد شده است که این داوری اکنون از طریق شخص عیسی مسیح رسیده است. حالا، یک سوال دیگر در یادداشت های شما وجود دارد، و آن این است که چرا پتر این داستان را تعریف می کند؟ منظورم این است که او می خواهد چه کاری انجام دهد؟ متوجه خواهید شد که پطرس ادامه می دهد، او با رنج کشیدن عیسی مسیح شروع می کند، همانطور که ما انجام داده ایم، اما پطرس دو کار دیگر انجام می دهد. شماره یک این است که پطرس نشان خواهد داد که به همین ترتیب، به آیه 20 توجه کنید، او می گوید، که در زمان های قدیم وقتی خدا در زمان نوح در هنگام ساخت کشتی صبر و حوصله منتظر بود، اطاعت نمی کرد، که در آن تعداد اندکی، یعنی هشت نفر، از طریق آب نجات یافتند.

به عبارت دیگر، کاری که او انجام می دهد این است که پتر مقایسه ای را تنظیم می کند. به همان روشی که نوح و خانواده اش در یک جامعه متخاصم اقلیت بودند، با این حال خدا آنها را نجات داد و آنها را نجات داد، به همین ترتیب، کلیسای او، اگرچه به نظر می رسد در این محیط خصمانه در امپراتوری روم اقلیت هستند، اما می توان مطمئن بود که خدا آنها را نیز نجات خواهد داد. بنابراین، این موضوع شباهت بین نوح و خانواده اش که اقلیت کوچکی در میان یک محیط خصمانه هستند، اکنون به خوانندگان پطرس منتقل می شود.

به نظر می رسد آنها نیز در این زمینه خصمانه و محیط خصمانه اقلیت هستند. با این حال، از طریق عیسی مسیح، خدا قبلاً نیروهای شیطانی را شکست داده است، پس آنها از چه چیزی باید بترسند؟ خوانندگان، اگرچه ممکن است از آزار و اذیت رنج ببرند، خوانندگان از چه چیزی باید بترسند؟ عیسی مسیح قبلاً بر نیروهای متخاصم شیطان پیروز شده است. آنچه واقعاً آنها را تهدید می کند، حاکمان و مقامات در سطح انسانی در روم نیستند، بلکه تهدید واقعی در پشت آن هستند، یعنی حاکمان و مقامات قلمروهای آسمانی.

همانطور که پولس می گوید، این تهدید واقعی است و مسیح قبلاً آنها را از طریق مرگ و رستاخیز خود شکست داده است. پس خوانندگان او از چه چیزی می ترسند؟ در عوض، آنها باید از صمیم قلب مسیح را با ایمان و در شهادت خود برای عیسی مسیح در آغوش بگیرند، حتی در میان رنج، زیرا اکنون آنها مطلقاً چیزی برای ترس ندارند. مسیح قبلاً از طرف آنها رنج کشیده است، و با انجام این کار، نه تنها الگویی ارائه کرده است، بلکه در واقع نیروهای شیطانی را شکست داده است، بنابراین آنها چیزی برای ترس ندارند، بنابراین آنها باید مسیح را از صمیم قلب در شهادت و رفتار مناسب در آغوش بگیرند، درست مانند نوح و خانواده اش، اگرچه آنها نیز در یک محیط خصمانه اقلیت بودند.

بسیار خوب، سؤال دیگری در این مورد دارید؟ بسیار خوب. فکر می کنم این در واقع یک نقطه جدایی خوب است. در مرحله بعد، روز جمعه، دو کتاب دیگر را با هم بررسی خواهیم کرد، در واقع 2 پتر و جود، که خواهیم دید که از نزدیک به هم می روند.

این سخنرانی دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید شماره ۳۱ در اول پطرس بود.

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید است، سخنرانی ۳۱ درباره اول پطرس.